

بررسی رابطه خلاقیت با عزت نفس کودکان کار شهر همدان

دکتر وحید خوش روش*^۱، سجاد گرجی نشلی^۲، سمانه قاسمی^۳

^۱استادیار گروه روان شناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، مازندران، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، مازندران، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، مازندران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خلاقیت با عزت نفس کودکان کار اجرا گردید. این پژوهش از نوع کاربردی است که با طرح پژوهشی همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان شهر همدان که در مراکز بهزیستی شهر همدان در سال ۱۳۹۷ مراجعه کرده اند. که از تعداد ۴۵۶ نفر کودکان کار به روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۷۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. و این ۷۵ نفر کودکان کار به پرسشنامه‌های خلاقیت و عزت نفس پاسخ دادند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: سیاهه خلاقیت تورنس (۱۹۷۹)، سیاهه عزت نفس آیزنک (۱۹۷۶). تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون آماری همبستگی پیرسون به کمک نرم افزار SPSS انجام گردید. نتایج یافته ها نشان داد که بین خلاقیت و عزت نفس کودکان کار رابطه مثبت و معنادار وجود دارد همچنین بین ابعاد خلاقیت با هوش هیجانی و عزت نفس کودکان کار رابطه مثبت و معنادار مشاهده گردید. همچنین پس از بررسی، مشخص شد و همچنین تنها در مولفه سیالی توان پیش بینی عزت نفس را دارد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، عزت نفس، کودکان کار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

پدیده کوکان کار و خیابان یکی از معضلات گریبانگیر تمامی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه و اکثر شهرهای بزرگ است. گسترش این پدیده به حدی است که بسیاری از جوامع رابه خود مشغول ساخته است. البته زمینه ها و عوامل گسترش این پدیده و راههای مقابل به آن در جوامع مختلف متفاوت است. در کشور ما نیز در این مسیر از راه بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی درباره این پدیده، حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است. البته دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز از این پدیده بر حذر نیستند. توسعه ناموزون و عدم هماهنگی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جذب انطباق با معیارهای توسعه، باعث شکل گیری تحولات سریع و خلق الساعه در بعضی از ساختارها و عقب ماندگی ساختارهای جامعه شده است. نتیجه چنین روندی همان چیزی است که ما امروزه در شهرهای بزرگ و کوچک و بیشتر از همه در کلان شهرها شاهد آن هستیم. کودکان کار کودکان کارگری هستند که بی سرپرست و یا بد سرپرست هستند و به عنوان کارگر در کوره های آجرپزی و یا سر چهار راهها و.... مشغول فعالیت و کار هستند. ۷۰ درصد این کودکان طبق بررسیهای انجام شده از نعمت سواد بی بهره اند. اکثر این کودکان ساعتها در محل کار خود مشغول هستند و هیچگاه رنگ بازی و درس به خود ندیده اند.

اصولاً مددکاران که با کودکان کار و خیابانی در ارتباط می باشند در این موضوع متفق القولند که این کودکان دارای خلاقیت و عزت نفس بالایی هستند و بعضاً بین این کودکان هستند کودکانی که دارای هوش سرشاری نیز می باشند. ما بواسطه این پژوهش و به کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری، الگوی مناسب و فرصتهای تجربه شخصی، می توانیم فرایند انسان کاملتر شدن را تا حد زیادی تسریع نماییم. و سعی بر آن داریم تا بتوانیم ارتباط موثر و بهتری را با کودکان کار و خیابان برقرار کرده تا بدین طریق در راستای اهداف خود کمک شایانی این کودکان کرده باشیم.

در این پژوهش پس از بیان مسئله و اهداف و اهمیت موضوع ارتباط با کودکان خیابانی به پیشینه و تاریخچه پیدایش آنها می پردازیم و همچنین تاملی در نظریه های هوش هیجانی و خلاقیت و عزت نفس می کنیم و سپس در فصل سوم با معرفی روشهای جمع آوری اطلاعات اعم از پرسشنامه و مصاحبه به جایگاه عملی می رسیم و پس از تحلیل اطلاعات و ارائه توضیح در خصوص جداول و اطلاعات جمع آوری شده و در ادامه نتیجه گیری حاصل از این پژوهش را عنوان خواهیم کرد. هدف نهایی این تحقیق کمک به مسیر آموزش این کودکان است، پیش زمینه برنامه ریزی اصولی و عملی برای ساماندهی کودکان کار و خیابان در NGO های مربوطه در شهر همدان همچون خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی، خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی سازمان بهزیستی همدان، خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی رسول اکرم و... فراهم می نماید چرا که کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات بزرگی است که نهادهای دولتی و خیریه باید به آن توجه زیادی بکنند.

۲. مبانی نظری

پدیده کوکان کار و خیابان یکی از معضلات گریبانگیر تمامی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه و اکثر شهرهای بزرگ است. گسترش این پدیده به حدی است که بسیاری از جوامع رابه خود مشغول ساخته است. البته زمینه ها و عوامل گسترش این پدیده و راههای مقابل به آن در جوامع مختلف متفاوت است. در کشور ما نیز در این مسیر از راه بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی درباره این پدیده، حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است. البته دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز از این پدیده بر حذر نیستند. توسعه ناموزون و عدم هماهنگی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جذب انطباق با معیارهای توسعه، باعث شکل گیری تحولات سریع و خلق الساعه در بعضی از ساختارها و عقب ماندگی ساختارهای جامعه شده است. نتیجه چنین روندی همان چیزی است که ما امروزه در شهرهای بزرگ و کوچک و بیشتر از همه در کلان شهرها شاهد آن هستیم. کودکان کار کودکان کارگری هستند که بی سرپرست و یا بد سرپرست هستند و به عنوان کارگر در کوره های آجرپزی و یا سر چهار راهها و.... مشغول

فعالیت و کار هستند. ۷۰ درصد این کودکان طبق بررسیهای انجام شده از نعمت سواد بی بهره اند. اکثر این کودکان ساعتها در محل کار خود مشغول هستند و هیچگاه رنگ بازی و درس به خود ندیده‌اند. در این میان افرادی هستند که از این کودکان بهره های جسمی و جنسی فرادانی می برند و در واقع آنها توسط گروههای مافیایی به استثمار کشیده شدند (حسینی، ۱۳۸۴).

خلاقیت عبارت است از تحولات دامنه دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان، به طوری که حائز یک توانایی در ترکیب عوامل قبلی به طرق جدید باشد و به تعبیری دیگر، خلاقیت عبارت است از به کارگیری کامل توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا راه حل یا مفهوم نو نسبت به خود شخص خلاق. بنابراین، خلاقیت، یک فرایند ذهنی است که از فرد معینی و در یک زمان مشخص دیده می شود؛ فرآیندی که در نتیجه آن، یک اثر جدید- عم از ایده یا چیزی نو و متفاوت- تولید می شود. تولید جدید و متفاوت، می تواند کلامی یا غیر کلامی و عینی یا ذهنی باشد. در مطالعه پیرامون خلاقیت، به دو نکته مهم زیر باید توجه داشت:

اول آن که خلاقیت می تواند خلق اشکال یا صورت های جدیدی از ایده ها یا تولیدات کهنه باشد. در این صورت، اغلب فکرها و ایده های گذشته، اساس خلاقیت های تازه است. دوم این که خلاقیت امری انحصاری است و حاصل تلاش فردی و تنها یک موقعیت یا مسئله عمومی نیست؛ از این رو، فردی ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ گونه سابقه ذهنی از آن نداشته باشد؛ اگر چه آن چیز به صورت های مشابه یا کاملاً یکسان قبلاً توسط شخص دیگری و در موقعیت خاصی خلق شده باشد. خلاقیت، مستلزم بهره گیری از نوع خاصی از جریان فکری است؛ چیزی که یکی از روان شناسان، به نام گیلفورد، آن را «تفکر واگرا» نامید؛ تفکری که به گونه ای متفاوت از جریان عام فکری جامعه، در حل مسائل، نمود پیدا می کند. به عبارت دیگر، فرد خلاق، تمایل دارد که مسائل مختلف را به طرق متفاوت حل کند؛ هر چند در ظاهر، یک راه حل بیشتر برای آن وجود ندارد (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

با توجه به روشن شدن تعریف خلاقیت، به پاسخ این پرسش می پردازیم که چگونه می توان خلاقیت را توسعه و گسترش داد؛ ولی قبل از آن باید گفت که خلاقیت، امری توسعه پذیر است و همه افراد، از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند. برای توسعه خلاقیت، به امور زیر توجه کنید:

۱. از آن جا که خلاقیت، امری فردی و شخصی است و هر کسی متناسب با توانایی های فردی و منحصر به فرد، می تواند به توسعه و گسترش آن اقدام نماید، جهت تقویت این امر، باید به سراغ توانایی های فردی و منحصر به فرد رفت و به ارزیابی آن پرداخت.
۲. میزان حساسیت در درک مسائل، نقش مهمی در خلاقیت دارد؛ بنابراین، با افزایش و گسترش دقت و حساسیت در درک مسائل، می توان به توسعه خلاقیت فردی کمک کرد.
۳. بدون شک، آزمایش، تجربه و کنکاش، رابطه مستقیمی با خلاقیت دارند؛ پس برای رشد آن، باید از طریق افزایش تجربه، پژوهش و انجام آزمایش های متنوع و متکثر، اقدام کرد (شریعتمداری، ۱۳۹۳).
۴. اندیشه تخیلی، یکی از راه های مؤثر در برانگیختن قدرت خلاقیت محسوب می شود؛ زیرا تخیل، نوعی تفکر آزاد است که ضمن آن، ذهن فرد، متوجه حل یک مسئله واقعی، به گونه ای که در عالم خارج وجود دارد، نمی شود؛ بلکه در تخیل، فرد خارج از قیود و هنجارهای موجود، آزادانه آن چه را که تمایل دارد، در ذهن خود تصور می کند. در چنین شرایطی، فرد، هرگز خود را محدود و محبوس در حصار واقعیت ها و امور مشهود و ملموس نمی کند و فارغ البال، هر آن چه را که دلش می خواهد، تصور می کند. یکی از روان شناسان معاصر، به نام هرلاک، خلاقیت را شکلی از تخیل کنترل شده می داند که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می شود. از طرف دیگر، یکی از ویژگی های مشترک میان افراد خلاق که مورد قبول همه روان شناسان و محققان این رشته است، وجود قدرت تخیل فوق العاده، در نزد همه کودکان و بزرگ سالان خلاق است (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

۵. خلاقیت، با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است (افروز، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)؛ از این رو، برای رشد و گسترش خلاقیت، برخورداری از اعتماد به نفس، کاملاً ضروری و لازم است. بنابراین، از طریق رشد و تقویت اعتماد به نفس و بهره گرفتن از روش های متداول و مورد توصیه روان شناسان، می توان به توسعه و رشد خلاقیت فردی پرداخت.
۶. خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشت های شخصی، غنی تر و عمیق تر می گردد؛ پس می توان با صحبت کردن درباره تجربه ها و تجزیه و تحلیل های شخصی و در میان گذاشتن نقطه نظرات خود با دیگران، به خصوص صاحب نظران و افراد با تجربه، زمینه گسترش و توسعه خلاقیت را فراهم کرد. در بسیاری موارد، بیان، توصیف و گزارش تجربه شخصی، به درک رابطه پدیده ها منجر می شود و رابطه منطقی آنها کشف می شود و همین امر، به یک نوآوری ختم می شود.
۷. خلاقیت، توسعه آگاهی، توانایی جذب و بهره مندی از همه نعمت های زندگی است. (همان، ص ۱۰۰). بر اساس آن چه گفته شد، خلاقیت توسعه پذیر است و می توان به کمک بیرون، توانایی درونی فرد را شکوفا کرد. هر فردی با بهره گرفتن از تمام شناخت های قبلی و تمرکز ذهنی داشتن بر آن و تجهیز کردن خود به موتور حرکت و افزایش بعد انگیزشی، خواهد توانست به کشف ویژگی های منحصر به فرد خود اقدام کرده، با در اختیار گرفتن تمام داده ها و نعمت های وجودی، به گسترش این ویژگی بپردازد. بدیهی است که اگر این ویژگی را غیر متأثر از عوامل بیرونی و ارادی بدانیم، هرگز به فکر تعمیق و غنا بخشیدن به آن نخواهیم بود و از آن جا که روان شناسان و متخصصان، این ویژگی را حداقل تا سی سالگی، قابل توسعه و گسترش می دانند، این راهکار، یعنی توسعه آگاهی، توانایی جذب و بهره گیری از تمام امکانات زندگی، نیز مؤثر و کارآمد خواهد بود. مطالعات انجام شده توسط سیسک (۱۹۸۹م). یکی از روان شناسان حاکی از آن است که اوج خلاقیت در حدود سی سالگی است و پس از آن، در همان حد باقی مانده یا به تدریج کاهش پیدا می کند و به همین خاطر است که توجه به مسئله «آفرینش های ذهنی در دوره کودکی، نوجوانی و جوانی» فوق العاده حائز اهمیت است.
۸. اوقات فراغت، همواره بستر مناسبی برای خلاقیت هاست. از آن جا که ذهن انسان در اوقات فراغت، به فعالیت موظفی مشغول نیست، انسان می تواند فارغ از قالب های از پیش طراحی شده، پیرامون مسائل مورد علاقه، فعالیت داشته باشد. انسان در اوقات فراغت، می تواند با طیب خاطر و آزادانه اندیشه نموده، در حل مسائلی که در حوزه شناختی او مطرح هستند، از تفکر واگرا بهره گیرد؛ همان تفکر واگرا یا خلاق که خمیرمایه نوآوری ها و اختراعات بشری است. حقیقات انجام شده در زمینه ویژگی های افراد خلاق توسط سیسک (۱۹۸۵)، نشان می دهد که آنان علاوه بر این که از هوشی سرشار، صداقت، صراحت و انعطاف پذیری برخوردار هستند، از اوقات فراغت خود حداکثر بهره را گرفته، با آزاداندیشی و تفکر واگرا، مسائل مختلف را بررسی می کنند و به راه حل های نو دست می یابند. در واقع، وجود فشار زمان یا فشار وقت در زندگی روزمره، خود زمینه ساز تنش و اضطراب فزاینده است. بدیهی است که وجود اضطراب شدید نیز از آفات تفکر مولد و خلاق است (افروز، ۱۳۸۹).
- عزت نفس یا حرمت نفس: اصطلاحی در روانشناسی است که بازتاب ارزیابی یا برآورد یک فرد از ارزشهای خود می باشد. عزت نفس، باور و اعتقادی است که فرد، درباره ارزش و اهمیت خود دارد. حرمت نفس را می توان با عوامل مختلف توضیح داد از جمله فردی که حرمت نفس دارد معتقد است که انسان مقدس است و به دلیل این مقدس بودن نمی توان او را قربانی اعتقاد های دیگران کرد، عامل بعد اینکه همه انسان ها با هم متفاوتند؛ یعنی بین افراد مختلف با نژادها و قومیت های مختلف هیچ فرقی وجود ندارد و همین طور انسان ها با هم برابرند، عامل دیگر خود دوستی و احساس رضایت داشتن از آنچه که هستیم و هرچه که هستیم و همین طور نداشتن شرم و خجالت از وجود خود است. اصولاً می توان حرمت نفس را در امور مختلف زندگی شرح داد. افرادی که دارای حرمت نفس پایین هستند در زندگی خود با مشکلات فراوان روبرو می شوند. به باور کارل راجرز تمامی انسان ها به حرمت نفس و عزت نفس نیازمندند. در درجه نخست، عزت نفس نشان دهنده احترامی است که دیگران برای ما قائل اند. هنگامی که پدر و مادر به فرزندان خود، توجه مثبت غیر شرطی نشان می دهند و آن ها را جدای از رفتارهایشان به عنوان انسان هایی که از شایستگی های درونی برخوردارند می پذیرند، در اصل به رشد عزت نفس آن ها کمک می کنند. اما

هنگامی که والدین به کودکان توجه مثبت شرطی نشان داده و در واقع هنگامی آن‌ها را می‌پذیرند که به شیوه مورد نظر و مطلوب رفتار می‌کنند، کودکان در شرایط ارزشی قرار می‌گیرند و گمان می‌کنند که فقط هنگامی شایستگی دارند که مطابق با خواست والدین رفتار کنند. برای آنکه هر شخص توان بالقوه‌ی منحصر به فردی دارد، کودکانی که به شرایط ارزشی دچار می‌گردند، تا اندازه‌ای در درون خویش احساس ناامیدی می‌کنند. آن‌ها نمی‌توانند کاملاً مطابق با خواست دیگران عمل کنند، و با خود نیز روراست باشند. اما، این به این معنا نیست که ابراز خود ناگزیر به تعارض منجر می‌گردد. به باور کارل راجرز هنگامی که در تلاش برای رسیدن به توان بالقوه خویش، دچار ناکامی می‌گردیم، به دیگران آسیب می‌زنیم یا به شیوه‌های ضد اجتماعی رفتار می‌نماییم. اگر پدر و مادر و دیگران تفاوت‌هایمان را دوست بدارند و آن‌ها را تحمل نمایند ما نیز آن تفاوت‌ها را دوست خواهیم داشت. حتی اگر ترجیحات، توانایی‌ها و ارزش‌هایمان با یکدیگر متفاوت باشد. اما در بعضی از خانواده‌ها کودکان می‌آموزند که داشتن برخی باورها به ویژه در مورد موضوعات جنسی، سیاسی و مذهبی زشت است

از این رو هنگامی که می‌فهمند مورد تأیید والدین و بزرگ‌ترها نیستند، خود را شخصی نافرمان می‌بینند؛ و به احساس‌هایی چون حماقت و شیطنت دچار می‌شوند؛ بنابراین اگر بخواهند خودپنداره و عزت نفس سازگاری داشته باشند باید احساس‌های خویش را انکار و بخشی از وجود خود را پنهان نمایند. بدین ترتیب خودپنداره آن‌ها تحریف می‌گردد. بنابه گفته راجرز آگاهی از وجود احساس‌ها و تمایلات ناسازگار با خود پنداره تحریف شده موجب اضطراب می‌گردد و چون اضطراب ناخوشایند می‌باشد شخص تلاش می‌کند تا وجود احساس‌ها و تمایلات واقعی و اصیل خویش را انکار کند. به باور راجرز مسیر خود شکوفایی به روراست بودن با احساس‌های واقعی، پذیرفتن و عمل نمودن به آن‌ها نیاز دارد و این هدف اصلی روش روان درمانی راجرز یعنی درمان مراجع محور است. او معتقد بود که ما در باره اینکه چه کسی می‌توانیم باشیم، تصورات ذهنی داریم. این تصورات که خود آرمانی نام دارد ما را برمی‌انگیزد تا تفاوت بین خودپنداره و خود آرمانی را کاهش دهیم (گنجی، ۱۳۹۵).

در این پژوهش سعی شده تا رابطه بین خلاقیت با عزت نفس کودکان کار را پیدا کنیم بدین منظور با استفاده از ۳ پرسشنامه خلاقیت تورنس، عزت نفس روزنبرگ اقدام به جمع آوری اطلاعات کردیم و در مورد تجزیه و تحلیل داده‌ها، داده‌ها را با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری SPSS خواهیم پرداخت و نتایج را مورد تفسیر قرار می‌دهیم.

۳. روش شناسی پژوهش

از آن جا که در این تحقیق رابطه خلاقیت با عزت نفس کودکان کار را مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر، تحقیقی از نوع همبستگی می‌باشد. در تحقیقات همبستگی، محقق می‌خواهد بداند که آیا بین دو یا چند چیز یا دو گروه اطلاعات رابطه و همبستگی وجود دارد یا خیر، یعنی اینکه تغییر در دیگری همراه است یا خیر و اگر چنین ارتباطی وجود دارد، از چه نوع و میزان آن چقدر است.

در این تحقیق محقق به دنبال پاسخ این سوال است که بین خلاقیت با عزت نفس کودکان کار چه نوع همبستگی وجود دارد و چگونه می‌توان براساس موضوع مورد بحث به فرضیات و سوالات تحقیق پاسخ داد؟

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کودکان کار دارای پرونده در سازمان بهزیستی شهرستان همدان که در سال ۱۳۹۷ تعداد آنها ۴۵۶ بود که به شیوه تصادفی ساده نمونه‌ای ۷۵ نفره انتخاب کردیم.

ابزار مورد استفاده این پژوهش عبارتند از:

* خلاقیت . تورنس (۱۹۷۹) برای جمع آوری اطلاعات مختلف از جامعه مورد پژوهش ما از آزمون خلاقیت تورنس استفاده خواهیم کرد. در این تست هم مشخص می‌شود که شما چگونه این مراحل گوناگون را در ذهنتان مدیریت می‌کنید؛ یعنی سوال‌های مختلفی در زمینه مرحله درک صورت مسئله، مرحله ارائه پیشنهادها، مرحله تصمیم‌گیری، مرحله اجرا و... وجود دارد که توانایی شما را در این زمینه محک می‌زند. اکثر دانشمندان و محققان معتقدند که اساس قدرت انسان ناشی از خلاقیت اوست. تورنس (۱۹۷۹) خلاقیت را در آزمونی ۶۰ سوالی و ترکیبی از ۴ عنصر اصلی زیر می‌داند

- سیالی: قدرت تولید ایده ها و جواب های فراوان
 - انعطاف: توانایی لازم برای تغییر جهت فکری یا توانای تولید ایده های متنوع
 - ابتکار: توانایی تولید ایده یا محصول نو و بدیع: یعنی پاسخ های فرد قبلا دیده نشده باشد و جدید و نو باشد.
 - بسط: توانایی توجه به جزئیات وابسته به یک ایده: یعنی افراد خلاق به جزئیات یک ایده توجه بیشتری نشان می دهند
- تست سنجش خلاقیت تصویری تورنس یکی از تست های استاندارد جهت سنجش میزان خلاقیت افراد به خصوص در سنین پیش دبستانی تا بعد ازلیسانس است. این آزمون بیش از هر آزمون دیگر در پژوهش و اندازه گیری های تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. تاکنون در بیش از دو هزار پژوهش که در مجلات معتبر علمی چاپ شده از آزمون تورنس به عنوان وسیله اندازه گیری خلاقیت استفاده شده است. آزمونی که تحت عنوان سنجش خلاقیت تورنس در ایران شناخته می شود در واقع شکل کوتاه شده و استاندارد شده آن می باشد که توسط دکتر عابدی استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ ساخته و معرفی گردیده و در ادبیات روانشناسی کشورمان با علامت اختصاری CT شناخته می شود. دکتر عابدی از جمله پژوهشگران سابقه دار و علاقمند حوزه خلاقیت و نوآوری در کشورمان شناخته می شود. ایشان ابتدا درسالهای ۶۳-۱۳۶۲ و با تشویق و کمک دانشجویان رشته های روانشناسی دانشگاههای تهران، نسبت به ساخت یک آزمون چند جوابی ۷۵ سوالی براساس تئوری و تعریف تورنس جهت سنجش خلاقیت نموده و ابتدا روی ۶۵۰ نفر دانش آموز پایه سوم راهنمایی تهران اجرا گردید. بعدا طی فعالیتهای علمی در دانشگاه کالیفرنیا و با کمک دانشجویان، نسبت به تجدیدنظر و بازسازی آن اقدام و نهایتا در سال ۱۹۹۴ با همکاری گروهی از اساتید دانشگاه مذکور (اونیل، عابدی و اسپیل برگر) فرم ۶۰ سوالی تهیه، هنجاریابی (بر روی ۱۶۲۵۰ نفر دانش آموز)، استاندارد و ارائه کرد. فرم کنونی آزمون توسط اساتید دانشگاه دوستو اسپانیا (۱۹۹۲) مورد استفاده قرار گرفته است (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴). تاکنون بیش از ۲۰۰۰ مقاله علمی که در آنها آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).
- طبق تحقیقات دکتر عابدی آزمون خلاقیت هم از نظر روایی همزمان (با اجرای همزمان آزمون اصلی خلاقیت تورنس و آزمون خلاقیت دکتر عابدی نتایج معنی داری از همبستگی بین عوامل چهارگانه هر دو آزمون بدست آمده است مثلا همبستگی بین دو خرده آزمون ابتکار $r=0/496$ و بین دو خرده آزمون سیالی $r=0/468$ بوده است. ضمنا آزمون مورد استفاده نیز از نظر روایی محتوی (نظر صاحب نظران) مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته است. براساس تحقیقات کفایت اعتبار کل آزمون ۲۷٪، مقیاس سیالی ۹۰٪، مقیاس انعطاف پذیری ۱۳٪، مقیاس ابتکار ۱۵٪ و مقیاس بسط ۲۴٪ گزارش گردیده که ضرایب بدست آمده در سطح ۵٪ معنی دار هستند
- کتابچه راهنمای آزمون خلاقیت دکتر عابدی ضریب پایایی کل آزمون را بین ۸۰٪ تا ۹۰٪ ذکر کرده است براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط عابدی پایایی آزمون خلاقیت مورد استفاده که از طریق آزمون مجدد بر روی دانش آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ بدست آمده در چهار بخش آزمون به این شرح است: ضریب پایایی بخش سیالی ۸۵٪، بخش ابتکار ۸۲٪، بخش انطاف پذیری ۸۵٪، در بخش بسط ۸۰٪ بوده است (عابدی، ۱۳۷۲) ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده آزمون های سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش آموز اسپانیایی به ترتیب ۷۵٪، ۶۶٪، ۶۱٪ و ۶۱٪ بدست آمده است و نتایج تحقیقات عابدی حاکی است در روش آزمون - بازآزمون که بر روی ۵۸ دانش آموز با فاصله ۱۵ روز اجراء گردیده ضرایب همبستگی خرده آزمونهای سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری در اجرای اول و دوم به ترتیب ۰/۲۳، ۰/۴۴۴، ۰/۶۱۴ و ۰/۵۹۵ به دست آمده است که جز مقوله سیالی، ضرایب همبستگی بقیه مقولات در حد ۱٪ در صد معنی دار است و در روش ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی برای ۸۱۹ دانش آموز در خرده آزمونهای سیالی، بسط، ابتکار و انطاف پذیری، به ترتیب ۶۷٪، ۴۸٪، ۶۸٪ و ۵۵٪ به دست آمده که در حد ۱٪ معنی دار است. در روش همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون نیز نتایج در سطح ۱٪ معنی دار بوده است (دائمی، ۱۳۸۳). در تحقیقی که کفایت در موضوع موصوف انجام داده بود میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از روش تصنیف و فرمول اسپیرمن - براون را ۹۰٪ برای کل آزمون، مقیاس سیالی ۸۸٪، مقیاس انعطاف پذیری ۷۷٪، مقیاس ابتکار ۹۳٪ و بسط

۹۳٪ گزارش شده که همه نتایج در سطح کمتر از ۵٪ معنی دار می باشد. با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای میزان خلاقیت کل، مقیاس سیالی، مقیاس انعطاف پذیری، ابتکار و بسط به ترتیب نتایج ۷۸٪، ۷۸٪، ۸۱٪، ۷۳٪ و ۷۰٪ گزارش شده است که این نتایج نیز در سطح کمتر از ۵٪ معنی دار است (کفایت، ۱۳۷۳).

* پرسش نامه‌ی عزت نفس آیزنک (۱۹۷۶؛ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳) ۳۰ ماده دارد و آزمودنی برای پاسخ دادن به هر ماده باید یکی از ۳ گزینه «بلی»، «خیر» و یا «؟» را انتخاب کند. در این پرسش نامه، پایین ترین نمره‌ی ممکن صفر و بالاترین نمره ۳۰ است.

هرمزی نژاد (۱۳۸۰) در تحقیقی روی دانشجویان شهید چمران اهواز، اعتبار سازه این آزمون را برای دانشجویان دختر ۰٫۷۴ و برای دانشجویان پسر ۰٫۷۹ گزارش کرده است. همچنین وی آزمون عزت نفس آیزنک و مقیاس عزت نفس اهواز را به طور هم زمان روی دو نمونه دختر و پسر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا کرده و ضرایب روایی محاسبه شده برای نمونه دختر $I=0/79$ و برای نمونه پسر $I=0/74$ را گزارش می کند که هر دو در سطح $p<0/001$ معنادار هستند. نتایج یافته‌های وی نشان می دهد که این آزمون از ویژگی‌های روان سنجی مطلوب و رضایت بخشی بهره مند است.

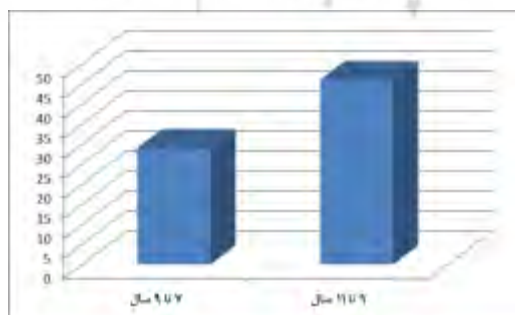
۴. یافته های پژوهش

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات به دست آمده پرداخته شده است. ابتدا با استفاده از شاخص های توصیفی از قبیل فراوانی، درصد و میانگین به توصیف اطلاعات پرداخته شده و سپس با استفاده از آزمون های استنباطی رگرسیون چند متغیری و همبستگی پیرسون به تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش پرداخته شده است.

وضعیت نمونه بر اساس سن شرکت کنندگان

سن	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی درصد معتبر
۷ تا ۹ سال	۲۹	۳۸٫۷	۳۸٫۷
۹ تا ۱۱ سال	۴۶	۶۱٫۳	۱۰۰٫۰
کل	۷۵	۱۰۰٫۰	-

از مجموع ۷۵ نمونه مورد بررسی، سن ۲۹ نفر معادل ۳۷/۸٪ بین ۷ تا ۹ سال و سن ۴۶ نفر معادل ۶۱/۳٪ افراد بین ۹ تا ۱۱ سال بود.

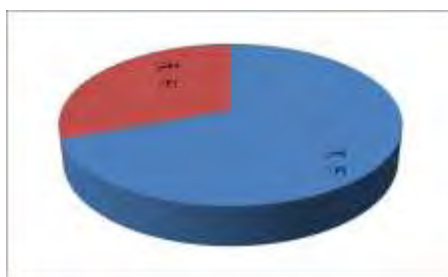


توزیع فراوانی نمونه بر اساس سن شرکت کنندگان

وضعیت نمونه بر اساس جنسیت شرکت کنندگان

جنسیت	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی درصد معتبر
پسر	۵۲	۶۹,۳	۶۹,۳
دختر	۲۳	۳۰,۷	۱۰۰,۰
کل	۷۵	۱۰۰,۰	-

از مجموع ۷۵ نمونه مورد بررسی، جنسیت ۵۲ نفر معادل ۶۹/۳٪ پسر و جنسیت ۲۳ نفر معادل ۳۰/۷٪ افراد دختر بود.



توزیع فراوانی نمونه بر اساس جنسیت شرکت کنندگان

آمار توصیفی نمرات متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
عزت نفس	۷۵	۹	۲۲	۱۵,۷۲	۳,۴۵
خلاقیت	۷۵	۷۰	۱۲۵	۹۸,۶۲	۱۲,۸۵
سیالی	۷۵	۱۸	۳۴	۲۶,۹۴	۳,۵۸
ابتکار	۷۵	۲۶	۴۸	۳۶,۷۳	۵,۰۷
انعطاف	۷۵	۱۳	۲۳	۳۷,۱۸	۲,۴۴
بسط	۷۵	۱۲	۲۳	۱۸,۳۵	۲,۴۲

میانگین و انحراف معیار برای عزت نفس برابر با $(۳/۴۴ \pm ۱۵/۷۲)$ و میانگین و انحراف معیار برای خلاقیت برابر با $(۱۲/۸۵ \pm ۹۸/۶۲)$ محاسبه شده است. در بین مولفه‌های خلاقیت، انعطاف با میانگین و انحراف معیار $(۲/۴۴ \pm ۳۷/۱۸)$ دارای بیشترین میانگین و بسط با میانگین و انحراف معیار $(۲/۴۲ \pm ۱۸/۳۵)$ دارای کمترین میانگین می‌باشد.

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها

متغیر	تعداد	Z آماره	سطح معناداری
عزت نفس	۷۵	۱,۰۲۵	۰,۲۴۴
خلاقیت	۷۵	۰,۶۳۸	۰,۸۱۰
سیالی	۷۵	۰,۵۶۳	۰,۹۱۰
ابتکار	۷۵	۰,۷۷۷	۰,۵۸۲
انعطاف	۷۵	۰,۵۷۵	۰,۸۹۶
بسط	۷۵	۰,۶۹۴	۰,۷۲۲

سطح معنی‌داری مقادیر Z بدست آمده برای متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۰۵ است ($p > ۰/۰۵$)، که این امر بیانگر آن است که نمرات این متغیرها، دارای توزیعی نرمال بوده و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتری جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق وجود دارد.

ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب تحمل	تورم واریانس
سیالی	۰,۲۲۳	۴,۴۷۸
ابتکار	۰,۱۲۰	۸,۳۳۵
انعطاف	۰,۱۲۲	۸,۱۶۷
بسط	۰,۱۱۲	۸,۹۳۳

شاخص ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای وابسته پژوهش به ترتیب بزرگتر از ۰/۱ و کوچک تر از ۱۰ است. این مطلب نشان دهنده آن است که پدیده هم‌خطی بودن در متغیرهای پژوهش رخ نداده است. فرضیه: خلاقیت توان پیش بینی عزت نفس کودکان کار را دارد.

به منظور بررسی این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. جدول زیر نتیجه این آزمون را نشان می‌دهد.

آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین عزت نفس و خلاقیت

متغیر	شاخص	خلاقیت	سیالی	ابتکار	انعطاف	بسط
R	۰/۲۶۴**	۰/۲۸۰**	۰/۲۵۶**	۰/۲۷۲**	۰/۳۰۰**	۰/۳۰۰**
عزت نفس	Sig	۰,۰۲۲	۰,۰۱۵	۰,۰۲۶	۰,۰۱۸	۰,۰۰۹
N		۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	۷۵

* معناداری در سطح ۰/۰۵

با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، بین عزت نفس و خلاقیت با ضریب همبستگی $۰/۲۶۴$ ($I=۰/۲۶۴$)، بین عزت نفس و سیالی با ضریب همبستگی $۰/۲۸۰$ ($I=۰/۲۸۰$)، بین عزت نفس و ابتکار با ضریب همبستگی $۰/۲۵۶$ ($I=۰/۲۵۶$)، بین عزت نفس و انعطاف با ضریب همبستگی $۰/۲۷۲$ ($I=۰/۲۷۲$) و بین عزت نفس و بسط با ضریب همبستگی $۰/۳۰۰$ ($I=۰/۳۰۰$) در سطح ۹۵٪ رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش یک واحد عزت نفس، خلاقیت کاری به میزان $۰/۲۶۴$ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، سیالی به میزان $۰/۲۸۰$ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، ابتکار به میزان $۰/۲۵۶$ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، انعطاف به میزان $۰/۲۷۲$ واحد و با افزایش یک واحد عزت نفس، بسط به میزان $۰/۳۰۰$ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ماتریس همبستگی بین عزت نفس و خلاقیت

	عزت نفس	سیالی	ابتکار	انعطاف	بسط	خلاقیت
عزت نفس	R					
	Sig					
	N					
سیالی	R	۰,۲۸۰*				
	Sig	۰,۰۱۵				
	N	۷۵				
ابتکار	R	۰,۲۵۶*	۰,۸۷۳**			
	Sig	۰,۰۲۷	۰,۰۰۰			
	N	۷۵	۷۵			

		-----	.۹۰۴**	.۸۳۸**	.۲۷۲*	R	انعطاف
		-----	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۱۸	Sig	
		-----	۷۵	۷۵	۷۵	N	
	-----	.۹۲۴**	.۹۱۱**	.۸۵۰**	.۳۰۰**	R	بسط
	-----	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۹	Sig	
	-----	۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	N	
-----	.۹۵۶**	.۹۵۶**	.۹۶۰**	.۸۸۰**	.۲۶۴*	R	خلاقیت
-----	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۲۲	Sig	
-----	۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	N	

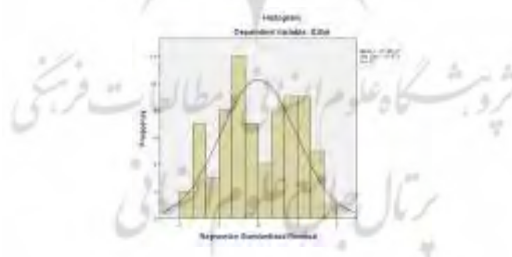
* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

جهت بررسی این فرضیه نیز از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش همزمان استفاده شده است. در این پژوهش عزت نفس به عنوان متغیر ملاک و خلاقیت به عنوان متغیر پیش بین ایفای نقش می کند.

خلاصه مدل رگرسیونی و بررسی خودهمبستگی

متغیر ملاک	R	R ^۲	AR ^۲	انحراف استاندارد	دوربین واتسون
عزت نفس	۰,۳۱	۰,۰۹	۰,۰۴	۳,۳۶	۱,۶۷

شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۰۹ می باشد. مجذور R تعدیل شده برابر ۰/۰۴ می باشد، که نشان می دهد ۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی عزت نفس، می تواند توسط متغیر پیش بین تبیین شود. همچنین آماره دوربین واتسون بین اعداد ۱/۵ تا ۲/۵ محاسبه شده است، لذا احتمال خودهمبستگی بین باقیمانده ها رد می شود و باقیمانده ها مستقل از یکدیگر بوده و میزان باقیمانده یک مورد، در میزان باقیمانده مورد بعد از آن تاثیری ندارد.



نمودار هیستوگرام باقی مانده استاندارد رگرسیون در فرضیه اصلی دوم پژوهش

نمودار هیستوگرام باقیمانده رگرسیون نشان می دهد که باقی مانده استاندارد شده منطبق بر خط نرمال است

جدول تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیونی

متغیر ملاک	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	Sig.
عزت نفس	رگرسیون	۸۵,۸۲۷	۴	۲۱,۴۵۷	۱,۸۹	۰,۱۲۱
	باقیمانده	۷۹۲,۷۹۳	۷۰	۱۱,۳۲۶		
	مجموع	۸۷۸,۶۲۰	۷۴	-		

میزان معنا داری F با درجه آزادی ۴ و ۷۴ بیشتر از میزان ۰/۰۵ محاسبه شده است که این امر بیان گر این است که مدل رگرسیونی معنادار نیست.

ضرایب همبستگی و رگرسیون خلایقیت با عزت نفس

سطح معنی داری	t	Beta استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		عامل
			انحراف استاندارد	B	
۰,۰۱۶	۲,۴۵۹	-	۳,۰۹۳	۷,۶۰۶	مقدار ثابت
۰,۵۱۰	۰,۶۶۲	۰,۱۵۹	۰,۲۲۸	۰,۱۵۱	سیالی
۰,۵۵۸	-۰,۵۸۹	-۰,۱۹۳	۰,۲۲۳	-۰,۱۳۱	ابتکار
۰,۹۵۷	-۰,۰۵۴	-۰,۰۱۷	۰,۴۵۸	-۰,۰۲۴	انعطاف
۰,۲۹۵	۱,۰۵۵	۰,۳۵۸	۰,۴۸۳	۰,۵۱۰	بسط

سطح معناداری بین خلایقیت و عزت نفس بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ محاسبه شده است، در جدول ۴-۱۷ سطح معناداری بین مولفه‌های خلایقیت و عزت نفس نیز بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ است، در نتیجه در تبیین متغیر ملاک بی‌تاثیر بوده و از معادله رگرسیونی حذف شده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت خلایقیت توان پیش بینی عزت نفس کودکان کار را ندارد.

۵. بحث و نتیجه گیری

پدیده کودکان کار و خیابان یکی از معضلات گریبانگیر تمامی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه و اکثر شهرهای بزرگ است. گسترش این پدیده به حدی است که بسیاری از جوامع راه خود مشغول ساخته است. البته زمینه ها و عوامل گسترش این پدیده و راههای مقابل به آن در جوامع مختلف متفاوت است. در کشور ما نیز در این مسیر از راه بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی درباره این پدیده، حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است. البته دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز از این پدیده بر حذر نیستند. توسعه ناموزون و عدم هماهنگی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جذب انطباق با معیارهای توسعه، باعث شکل گیری تحولات سریع و خلق الساعه در بعضی از ساختارها و عقب ماندگی ساختارهای جامعه شده است. نتیجه چنین روندی همان چیزی است که ما امروزه در شهرهای بزرگ و کوچک و بیشتر از همه در کلان شهرها شاهد آن هستیم. کودکان کار کودکان کارگری هستند که بی سرپرست و یا بد سرپرست هستند و به عنوان کارگر در کوره های آجرپزی و یا سر چهار راهها و.... مشغول فعالیت و کار هستند. ۷۰ درصد این کودکان طبق بررسیهای انجام شده از نعمت سواد بی بهره اند. اکثر این کودکان ساعتها در محل کار خود مشغول هستند و هیچگاه رنگ بازی و درس به خود ندیده اند.

اصولاً مددکاران که با کودکان کار و خیابانی در ارتباط می باشند در این موضوع متفق القولند که این کودکان دارای خلایقیت و عزت نفس بالایی هستند و بعضاً بین این کودکان هستند کودکانی که دارای هوش سرشاری نیز می باشند. ما بواسطه این پژوهش و به کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری، الگوی مناسب و فرصتهای تجربه شخصی، می توانیم فرایند انسان کاملتر شدن را تا حد زیادی تسریع نماییم. و سعی بر آن داریم تا بتوانیم ارتباط موثر و بهتری را با کودکان کار و خیابان برقرار کرده تا بدین طریق در راستای اهداف خود کمک شایانی این کودکان کرده باشیم.

در این پژوهش پس از بیان مسئله و اهداف و اهمیت موضوع ارتباط با کودکان خیابانی به پیشینه و تاریخچه پیدایش آنها می پردازیم و همچنین تاملی در نظریه های هوش هیجانی و خلایقیت و عزت نفس می کنیم و سپس در فصل سوم با معرفی روشهای جمع آوری اطلاعات اعم از پرسشنامه و مصاحبه به جایگاه عملی می رسیم و پس از تحلیل اطلاعات و ارائه توضیح در خصوص جداول واطلاعات جمع آوری شده و در ادامه نتیجه گیری حاصل از این پژوهش را عنوان خواهیم کرد.

فرضیه : خلاقیت با عزت نفس کودکان کار رابطه دارد

با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، بین عزت نفس و خلاقیت با ضریب همبستگی ۰/۲۶۴، بین عزت نفس و سیالی با ضریب همبستگی ۰/۲۸۰، بین عزت نفس و ابتکار با ضریب همبستگی ۰/۲۵۶، بین عزت نفس و انعطاف با ضریب همبستگی ۰/۲۷۲ و بین عزت نفس و بسط با ضریب همبستگی ۰/۳۰۰ در سطح ۰/۰۵ رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش یک واحد عزت نفس، خلاقیت کاری به میزان ۰/۲۶۴ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، سیال به میزان ۰/۲۸۰ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، ابتکار به میزان ۰/۲۵۶ واحد، با افزایش یک واحد عزت نفس، انعطاف به میزان ۰/۲۷۲ واحد و با افزایش یک واحد عزت نفس، بسط به میزان ۰/۳۰۰ واحد افزایش می‌یابد.

نتایج حاصله از این فرضیه با نتایج پژوهش بیات و همکار (۱۳۹۱) همسو می‌باشد

در تبیین فرضیه فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت کودکان کار با عزت نفس بالا احساس مثبتی در خودشان دارند و خود را دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشند این عزت نفس شان بر سایر نگرش‌های آنها اثر می‌گذارد کوپر اسمیت (۱۹۶۷) با مطالعات وسیع خود در مورد عزت نفس به این نتیجه رسیده است افرادی که از عزت نفس بالاتر برخوردار هستند، در بسیاری از روش‌ها با افراد دارای عزت نفس پایین متفاوت هستند. آنها مجموعه هدف‌های بالاتری دارند، کمتر از اضطراب رنج می‌برند، استرس کمتر همراه با نشانه‌های روان تری کمتری تجربه می‌کنند، نسبت به شکست و انتقاد کمتر حساس هستند و احساس کنترل بیشتری دارند. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که افزایش خلاقیت موجب افزایش عزت نفس می‌شود اما به دلیل زیاد بودن سطح معناداری نسبت به مقدار استاندارد خلاقیت یا عزت نفس رابطه دارد لذا فرضیه تایید شد.

منابع

- اقلیدس، طاهره و قاسمی، فرشید (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر آموزش درس «پرورش خلاقیت در کودکان» بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دختر سال سوم کودکان هنرستان‌های شیراز، فصلنامه ی نوآوری‌های آموزشی، (۱۳)، ۴، ۸۴-۸۵
- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۳)، روان شناسی اعتماد به نفس. تهران: انتشارات مهرداد.
- اصل فتاحی، بهرام، نجار پور استادی، سعید، بررسی رابطه هوش هیجانی و عزت نفس با مهارت‌های اجتماعی، آموزش و ارزشیابی، (۱۳۹۲)، (۲۳)، ۶، ۱۲۳-۱۳۶
- افروز، غلامعلی، مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، (۱۳۹۶)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سی و یکم.
- افروز، غلامعلی، (۱۳۸۹)، مباحثی در روان شناسی و تربیتی، چاپ یازدهم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۷). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان چاپ شصت و ششم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۴)، روانشناسی تربیتی (روان شناسی آموزش و یادگیری). تهران: نشر ویرایش
- براندن، ناتانین (۱۹۹۹) **روان شناسی عزت نفس**، ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات نخستین، چاپ ششم.
- تورنس، استعداد ها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آموزشی و پرورش آن، ترجمه حسن قاسم زاده، (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات دنیای نو
- جولایی، محمود، (۱۳۹۳)، رازها و نیازهای موفقیت ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۷)، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۶)، الگوی رشد خلاقیت و کار آیی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه ی نوآوری‌های آموزشی، (۱۵)، ۵، ۱۷۷-۲۰۰

- حسینی، سید حسن، بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، رفاه اجتماعی، (۱۳۸۴)، (۱۹) ۵، ۱۵۵-۱۷۴
- دوبونو، ادوارد، خلاقیت جدی، ترجمه مرتضی غفاری پور و قاسم بصیری (۱۳۸۲)، تهران: آییژ
- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، سیده فاطمه، (۱۳۸۳)، هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس، فصلنامه تازه های علوم شناختی، (۴ و ۳) ۶، ۱-۸
- رمضانی، حسین علی، (۱۳۸۸)، خلاقیت: اساس شکوفایی و نوآوری، تهران: محور
- سلیمانی، مهدیه و حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، ارائه مدل مدیریتی مطلوب به منظور سازماندهی کودکان کار و خیابان، (۴) ۷، ۵۳-۶۹
- شریعتمداری، علی، (۱۳۹۳)، روان شناسی تربیتی، چاپ بیست و سوم، تهران: امیرکبیر
- شاملو، سعید (۱۳۶۸)، آسیب شناسی روانی، تهران: انتشارات رشد.
- شریفی، داوری، (۱۳۸۸)، بررسی و مقایسه سه روش پرورش خلاقیت برافزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم مدارس راهنمایی شهرکرد، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، (۱) ۱۵، ۵۷-۶۲
- قاسم زاده، حسن، شکوفایی خلاقیت کودکان (۱۳۷۵)، تهران: دنیای نو.
- کاظمی یحیی و جعفری، نرجس (۱۳۸۰)، بازدارنده های خلاقیت دانش آموزان: فعالیت ها و ویژگی های معلم، اندیشه های نوین تربیتی، (۱، ۲) ۴، ۱۷۷-۱۹۲.
- عابدی، جمال، (۱۳۷۲)، خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن، پژوهش های روانشناختی، شماره ۱ و ۲، تهران
- مرادی، اکرم، سجادی، حمیرا، محقق کمال، وامقی، مرئو، حسینی، سعید و قائد امینی، غلامرضا، بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعه کننده به مراکز مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان شهر تهران، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، (۱۳۹۴)، (۱۱) ۱۴، ۹۷۷-۹۸۸
- مزلو، ابراهام اچ، (۱۳۷۵)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضایی، مشهد: آستان قدس رضوی
- منصور، محمود (۱۳۷۱)، احساس کهنتری، تهران: دانشگاه تهران
- میرکمالی، محمد و خورشیدی، عباس، (۱۳۸۷)، بررسی عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان گیلان از دیدگاه معلمان و مدیران دوره ابتدایی. سال سی و نهم، (۲)، ۵۱-۵۷
- میرکمالی، محمد و خورشیدی، عباس، روش های خلاقیت در نظام آموزشی، تهران: نشر، سیطرون.
- ماسن، پاو، هنری و همکاران (۱۹۸۵)، رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۸۰) تهران: نشر مرکز.
- مای، لی، (۱۹۹۵) ساخت و پدید آبی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منهور (۱۳۸۰)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، نیکچهره، (۱۳۷۵)، ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی، تهران: انتشارات بعثت.
- محمدی، بهمن، (۱۳۸۶) بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر ابراز وجود و عزت نفس دانش آموزان پسر سال اول متوسطه دبیرستان های شهرستان ممسنی، پایان نامه شورای تحقیقات آموزش و پرورش.